

## بررسی و ارزیابی جایگاه عامل فرهنگی در اساسنامه شرکت‌های ایرانی به منظور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

مهرداد فتحی<sup>۱</sup>، بهنام قربانی فرد<sup>۲</sup>، حمیدرضا نریمانی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۲- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، پژوهشگر برتر دستگاه‌های اجرایی استان البرز

۳- مدرس رشته مدیریت دانشگاه‌ها

### چکیده

با گسترش فعالیت‌های اقتصادی و گستردگی علوم مختلف در دنیای امروز، تشکیل شرکت‌های تخصصی با هدف برآوردن این نیازهای اقتصادی و فنی در جوامع مختلف افزایش یافته است. شرکت‌های ایرانی نیز از این امر مستثنی نبوده و متأثر از این قاعده تعداد شرکت‌های ثبت شده در دهه اخیر با سرعت نسبتاً زیادی افزایش پیدا کرده است. هر شرکت برای شروع به فعالیت نیازمند تدوین اساسنامه‌ای است که بر مبنای آن اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و فعالیت‌های حوزه تخصصی خود را تعیین نماید. در این توسعه روز افزون اقتصادی متأسفانه توجه به ابعاد اجتماعی-فرهنگی تشکیل شرکت‌ها و تاثیراتی که در این حوزه در جامعه دارند، مغفول مانده است. از این رو در این مقاله سعی شده است با توجه به مواد متداول موجود در اساسنامه شرکت‌ها و مطالعه تاثیرات اجتماعی و اقتصادی این موارد در ساختارهای فرهنگی جامعه لزوم تدوین عوامل فرهنگی در اساسنامه شرکت‌ها را به منظور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد بازبینی قرار داده و راهبردهای اصلی در تدوین این عوامل را تبیین نماید.

**واژه‌های کلیدی:** اساسنامه شرکت‌ها، عوامل فرهنگی، فرهنگ‌سازمانی، اقتصاد مقاومتی

### ۱-مقدمه

فرهنگ یکی از مقوله‌های مهم ارزشی کشورها به حساب می‌آید که مبتنی بر آموزش، دانش و عادات می‌باشد. فرهنگ عبارت است از خط مشی رفتاری و ارزش‌های اجتماعی که به صورت مجموعه‌ای از نمادهای منسجم، اشتراکی، تعهدی و فراگرفته متجلی می‌شود. مهمتر اینکه وظیفه اساسی هر فرهنگ پاسخگویی به مشکلات جاری و رایج جامعه از جمله مسائل اقتصادی است. هر جامعه‌ای در روند روبه‌رشد خود در جهت تامین نیازهایش به تمام اجزای توسعه توجه دارد. توسعه‌ای که در فرهنگ دینی ما از آن یاد می‌شود شامل توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی است. معمولاً هر وقت از توسعه در یک جامعه نام برده می‌شود آنچه به ذهن متبادر می‌گردد توسعه در بخش‌های عمرانی و اقتصادی و حداکثر سیاسی است و معمولاً مقوله فرهنگ مورد غفلت قرار گرفته و به رابطه فرهنگ با ابعاد دیگر توسعه توجهی نمی‌شود. اقتصاد دارای زمینه‌ای فرهنگی است. اقتصاد مبتنی بر ظواهر و تحلیل‌های ریاضی که روش‌های بی‌طرفانه علمی برای آزمون فرضیه‌های مربوط به چگونگی رفتار اقتصادی در آن اولویت دارد، زمینه‌های فرهنگی اقتصاد را کمرنگ نشان می‌دهد. زمینه فرهنگی علم اقتصاد شامل نظام فکری و نیز نظام سازماندهی اجتماعی می‌شود. عوامل اقتصادی در زیست‌محیطی فرهنگی زندگی می‌کنند و این محیط زندگی فرهنگی در سطوح مختلف مصرف‌کننده، شرکت و نظام کلان اقتصادی اثر خود را به جای می‌گذارد.